



Determining strategies for organizing marginalized areas and implementing them in the form of mathematical reconstruction (Case study: Qanat Naseri neighborhood in Arak city)

Rostam Saberifar^{*1}, Reza Eftekhari²,

1. Associate Professor of Geograpy, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Low and Social Sciences, University of Pyam Noor University, Tehran, Iran.

2. MSc in Geograpy, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Low and Social Sciences, University of Pyam Noor University, Tehran, Iran

Received Date: 19 February 2025 Accepted Date: 02 May 2025

Abstract

Background and Objective: The aim of the present study was to investigate urban regeneration and evaluate informal settlements with a case study of Qanat Naseri neighborhood in Arak city. Qanat Naseri neighborhood is one of the informal settlements that faces numerous challenges in physical, social, economic, and environmental dimensions. For this reason, it was necessary to identify the neighborhood's strengths, weaknesses, opportunities, and threats and provide solutions to organize them.

Methodology: The research method was descriptive-analytical and its purpose was applied. Survey and documentary methods were used to collect data and information. The statistical population of the study was the residents of Qanat Naseri neighborhood in the northeast of Arak. For this purpose, 37 educated residents of the area and 21 experts and specialists from the consulting company and the Arak Construction and Reconstruction Organization were selected and they answered the questionnaire questions. The collected data was analyzed using descriptive and inferential statistics and SWOT and QSPM models.

Findings and Conclusion: The findings showed that public participation, improving physical infrastructure, addressing environmental problems, and economic empowerment are among the key factors in regenerating this neighborhood. The analyses conducted showed that the Qanat Naseri neighborhood is located in the WO (conservative strategies) section of the SWOT matrix, which relies on using external opportunities to reduce internal weaknesses. Accordingly, it is necessary to use the marginal texture organization equation. In the absence of careful management and complete oversight, those with more power control all the resources and make things even more difficult for others. Sometimes, the government itself oppresses marginalized people by imposing restrictions or forced evictions. In such circumstances, the situation of each of the marginal areas should be analyzed separately and a solution should be proposed based on that. According to the findings of this study, marginal neighborhoods face numerous bottlenecks. The methods used for organization have not been very successful so far. According to this study, using the equation for organizing marginal textures does not have these shortcomings of previous methods. The second stage is dedicated to the preparation and transformation of the human condition. Ultimately, with the change in social status, positive and sustainable changes will occur in this area.

Keywords: Citizenship, ecosystem approach, right to city, urbanization, Mashh Organizing equation, urban regeneration, quantitative strategic analysis, Qanat Naseri neighborhood, Arak.

* Corresponding Author Email: r_saberifar@pnu.ac.ir

Cite this article: Saberifar, R. and Eftekhari, R. (2026). Determining strategies for organizing marginalized areas and implementing them in the form of mathematical reconstruction (case study of Qanat Naseri neighborhood in Arak city). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 7(1), 73-90.



تعیین راهبردهای ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین و اجرای آن در قالب معادله ریاضی باز آفرینی (مورد مطالعه: محله قنات ناصری شهر اراک)

رستم صابری فر*، رضا افتخار

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: هدف مطالعه حاضر بررسی بازآفرینی شهری و ارزیابی سکونتگاه‌های غیررسمی با مطالعه موردی محله قنات ناصری در شهر اراک بود. محله قنات ناصری یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی است که با چالش‌های متعددی در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی مواجه می‌باشد. به همین دلیل ضروری بود که نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای محله مشخص شده و راهکارهایی برای ساماندهی آن ارائه گردد.

روش‌شناسی: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و هدف آن کاربردی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از شیوه پیمایشی و اسنادی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش ساکنین محله قنات ناصری در شمال شرق اراک بود. برای انتخاب نمونه از روش نمونه در دسترس استفاده شد. به این منظور ۳۷ نفر از ساکنان تحصیلکرده محدوده و ۲۱ نفر از کارشناسان و متخصصین شرکت مشاور و سازمان عمران و بازآفرینی اراک برگزیده شده و به سوالات پرسشنامه پاسخ گفتند. پرسشنامه مورد استفاده از نوع محقق ساخته بود که روایی و پایایی آن با نظر متخصصان و آلفای کرونباخ تایید اعتبار گردید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آماره‌های توصیفی و استنباطی و مدل‌های SWOT و QSPM، تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که مشارکت مردمی، بهبود زیرساخت‌های کالبدی، رفع مشکلات زیست‌محیطی و توانمندسازی اقتصادی از جمله عوامل کلیدی در بازآفرینی این محله هستند. تحلیل‌های انجام شده نشان داد که محله قنات ناصری در ماتریس SWOT در بخش WO (راهبردهای محافظه‌کارانه) قرار دارد که بر استفاده از فرصت‌های خارجی برای کاهش نقاط ضعف داخلی متکی است. بر همین اساس، بهره‌گیری از معادله ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای ضرورت دارد. در صورت عدم مدیریت دقیق و نظارت کامل، کسانی که قدرت بیشتری دارند، تمام منابع را کنترل می‌کنند و کار را برای دیگران دشوارتر می‌کنند. گاهی اوقات، خود دولت با اعمال محدودیت‌ها یا اخراج‌های اجباری، به حاشیه‌نشینان ظلم می‌کند. در چنین شرایطی، باید وضعیت هر یک از مناطق حاشیه‌ای به طور جداگانه تحلیل و بر اساس آن راهکاری ارائه شود. بر اساس یافته‌های این مطالعه، محله‌های حاشیه‌ای با تنگناهای متعددی روبرو هستند. روش‌های مورد استفاده برای ساماندهی تاکنون چندان موفق نبوده‌اند. بر اساس این مطالعه، استفاده از معادله ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای، این کاستی‌های روش‌های قبلی را ندارد. مرحله دوم به آماده‌سازی و دگرگونی شرایط انسانی اختصاص دارد. در نهایت، با تغییر وضعیت اجتماعی، تغییرات مثبت و پایداری در این منطقه رخ خواهد داد.

واژگان کلیدی: شهروندی، رویکرد اکوسیستمی، حق بر شهر، شهرنشینی، معادله سازماندهی مشه، بازآفرینی شهری، تحلیل استراتژیک کمی، محله قنات ناصری، اراک.

*نویسنده مسئول: r_saberifar@pnu.ac.ir

ارجاع به این مقاله: صابری فر، رستم و افتخار، رضا. (۱۴۰۵). تعیین راهبردهای ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین و اجرای آن در قالب معادله ریاضی بازآفرینی (مورد مطالعه: محله قنات ناصری شهر اراک). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۷(۱)، ۷۳-۹۰.

مقدمه و بیان مسأله

بافت‌های ناکارآمد شهری، انواع مختلفی دارند که هر یک از آنها شرایط ویژه‌ای داشته و ضرورت دارد که قبل از هر نوع مداخله‌ای در آنها، این شرایط به درستی شناسایی شده و راهکاری متناسب برای آنها انتخاب گردد. اما، برخی از ضرورت‌ها باعث شده‌است که مدیران و مسئولین شهری تلاش نمایند راهکارهایی را مدنظر قرار دهند که نتیجه تلاش آنها را به سرعت نمایان سازد. اما چنین روندی چون همه ابعاد و زوایای موضوع را وارد معادله ساماندهی نمی‌کند، نه تنها بهبود در شرایط موجود به وجود نمی‌آورد بلکه، علی‌رغم هزینه‌های صرف شده، مشکلات را بیشتر می‌سازد. تجارب موجود نشانگر آن است که مداخلات انجام شده عمدتاً ابعاد کالبدی را مدنظر داشته و از سایر شرایط غافل شده‌است (Permana, 2025: 2). به همین دلیل، در سالهای اخیر توجه به مقولات فرهنگی، اجتماعی و ... بیشتر شده، اما باز هم، پیامدهای مثبت در حد و اندازه‌ای نبوده‌است که تحولات شگرفی در این حوزه بروز نماید (قرخلو و شریفی، ۱۳۸۳: ۸۸).

عدم توفیق مداخلات صورت گرفته در بافت‌های ناکارآمد شهری، موضوع پژوهشات بسیاری بوده‌است. ادعا این است که اکنون، یگانه راهکار ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری، بازآفرینی می‌باشد، اما این رویکرد همانند موارد قبلی خود نتایج درخشانی به همراه نداشته‌است (صابری‌فر، ۱۴۰۲: ۱۸۵). این شرایط، نشانگر آن است حتی زمانی که مراحل شناخت و ارائه پیشنهاد به درستی صورت گرفته‌است، راهکارهای اجرایی در عمل ناقص و یا غیر اصولی بوده و تحول خاصی حادث نشده‌است. یک شکل و یک اندازه دیدن این سکونتگاه‌ها در تمام شهرها و مناطق، بدان معناست که راهکار یگانه‌ای هم برای آنها ارائه گردد. اما واقعیت آن است که نه تنها هر منطقه و محدوده‌ای از بافت‌ها ناکارآمد اختصاصات خاص خود را دارد، بلکه هر سکنه آنها نیز داستان منحصر به فردی دارد که چنانچه به خوبی شناخته نشود، هر نوع مداخله‌ای به شکست منجر می‌گردد. زیرا ساکنین این مناطق علی‌رغم آن که علاقه وافری به تغییر دارند، از مواجهه با افرادی غیر از آشنایان و نزدیکان خود، به شدت واهمه دارند. به همین دلیل، در این جوامع بهره‌مندی از اصول پارادایم برنامه‌ریزی مشارکتی، مثل ارتباطات تعاملی، اشتراک‌گذاری قدرت و یادگیری متقابل چندان آسان نیست. اما اگر نهادهای محلی به این روند وارد شوند، کارایی برنامه‌ریزی مشارکتی به خوبی خود را نشان خواهد داد (Permana, 2025: 1). به همین دلیل، در روند مطالعه و ارزیابی توانمند قابلیت‌های چنین مناطقی، شناسایی این نهادها بسیار اهمیت دارد. چرا که اگر این گروه‌ها به روند مداخله وارد نشوند، هر نوع دخالتی توأم با مقاومت، بدبینی یا ترس از دست دادن هویت خواهد بود (Douglass, 2015) و شور و شوق محلی تضعیف شده و هر نوع تحولی غیر ممکن می‌گردد (Fahmi et al., 2016). چرا که در این جوامع، ساختارهای قدرت و سلسله‌مراتب اجتماعی به قدری غیرقابل تغییر است که افراد به راحتی نمی‌توانند جایگاه خود را عوض نموده و به شکل واقعی اظهار نظر نمایند. به همین دلیل، برنامه‌ریزی مشترک و ترویج ارزش‌های مورد توافق، برای اشتراک‌گذاری منابع و قدرت در میان افراد چالش برانگیز بوده و مانع مشارکت معنادار بخش‌های خاصی از جامعه، به‌ویژه گروه‌های به حاشیه رانده شده می‌شود (Jun & Musso, 2013).

در حقیقت، ساماندهی بافت‌های ناکارآمد شهری، تنها در صورتی امکان‌پذیر می‌باشد که اولاً تنگناها و قابلیت‌های آنها به درستی شناخته شده و در مرحله دوم، شیوه مداخله‌ای مدنظر قرار گیرد که بتواند مشارکت واقعی و گسترده ساکنین را به شکل واقعی ممکن سازد. برای رسیدن به این مسیر شناخت سلسله‌مراتب قدرت و نحوه تعاملات ساکنین و همچنین حضور و اثر هر یک از پارامترهای اثرگذار در این روند، یعنی آماده‌سازی زمینه‌های سیاسی، تامین شرایط انسانی محیط اجتماعی لازم و ضروری است. چرا که ساماندهی چنین مناطقی همانند یک معادله ریاضی است که اگر هر یک از عوامل مورد اشاره وزن متناسبی نداشته و یا اصولاً مدنظر نظر قرار نگیرد، جواب نهایی معادل صفر خواهد بود هیچ تحولی قابل انتظار نخواهد بود. برای ارزیابی این ادعا، در این بررسی، محله قنات ناصری اراک به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید تا با استفاده از مدل‌های SWOT و QSPM، ابتدا وضعیت موجود به درستی شناسایی شده و در نهایت با ارائه رویکرد نوآورانه‌ای نسبت به ساماندهی آن اقدام گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اصطلاح حاشیه‌نشینی اولین بار در سال ۱۵۱۶ در ونیز به کار گرفته شد. برخی این تاریخ را در ایران تا دوران ساسانیان عقب می‌برند. در این دوران، اسیران جنگی را در مراکز سکونتگاهی جدا از مردم و در حاشیه شهرها سکنی می‌دادند. البته در اروپا و به سال ۱۱۷۹، شورای کلیسا، زندگی مسیحیان را در میان یهودیان ممنوع کرد که موجب ایجاد گتوهای متعدد یهودی‌نشین در اطراف شهرهای بزرگ اروپائی گردید (صابری فر، ۱۳۸۸). از آن زمان تاکنون، بررسی و پژوهش در این ارتباط ادامه داشته‌است. اما مطالعات و پژوهش‌هایی که از ابعاد نظری فاصله گرفته و اهداف عملی را مدنظر داشته‌اند، در غرب به دوران انقلاب صنعتی و در ایران به وقوع اصلاحات ارضی برمی‌گردد. به طور مشخص و در ایران، اولین مطالعات در موسسه پژوهشات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شد که از نمونه‌های مشخص آن می‌توان به کارهای قلعه‌گلایی (۱۳۵۰) اشاره کرد. بعدها افراد زیادی به این حوزه وارد شدند که معروف‌ترین آنها مطالعات نباتی (۱۳۵۷)، پرویز پیران (۱۳۶۶)، زاهد زاهدانی (۱۳۶۹)، حسین زاده‌دلیر (۱۳۷۱)، احمدیان (۱۳۷۱)، حاتمی‌نژاد و زمردیان (۱۳۷۲)، اردشیری (۱۳۷۵) و وزارت کشور (۱۳۸۰) می‌باشند. با وجود آن که در مطالعات اولیه این پدیده بسیار ساده و خطی در نظر گرفته می‌شد، در مطالعات دو دهه اخیر، ابعاد پیچیده‌تری پیدا کرد. در این بخش نیز پژوهشگرانی چون بیانلو (۱۳۸۵)، مرادی و بخشنده (۱۳۹۰)، فتحی (۱۳۹۱)، علیزاده اقدم (۱۳۹۴)، نوربخش و همکاران (۱۳۹۶)، علیپور و همکاران (۱۳۹۷)، صابری فر (۱۳۹۸) و ۱۴۰۲ (ب) و باقری‌میاب و همکاران (۱۴۰۳)، فعال‌تر بوده‌اند.

در خارج از ایران، مطالعه محلات آلوده و حاشیه‌نشین، عمدتاً به دوره انقلاب صنعتی مربوط است. در این دوره، محلات شهری بسیار نامناسب و از نظر ساختار بی‌کیفیت بودند. در این محلات، معیارهای مربوط به سلامتی چندان مورد توجه نبود و به همین دلیل، امکان شیوع بیماری‌های واگیردار و اپیدمی‌های گسترده وجود داشت. از آنجا که این مشکلات می‌توانست سایر محلاتی که عمدتاً به اعیان و ثروتمندان اختصاص داشت را هم آلوده نماید، ساماندهی آنها در دستور کار قرار گرفت و مطالعات و پژوهش‌های متعددی در همین ارتباط آغاز گردید. شاید یکی از اولین مطالعات در این ارتباط، کارهای چادویک^۱ (۱۸۴۱)، باشد. بعدها و در مطالعات سابقین^۲ (۱۹۶۴) روند آغاز شده توسط چادویک ادامه یافت. به طور مشخص، سابقین تمرکز اصلی خود را به تشریح و تبیین نظریه‌ها و تئوری‌های سیاسی و نقش آن‌ها در ساختار و محل استقرار شهرهای یونانی قرار داد. در این میان، مهمترین دغدغه این دانشمند، مقوله حاشیه‌نشینی و گتوها بود. این شرایط بعدها در کارهای الیاس^۳ و همکاران (۱۹۶۶)؛ کلینارد^۴ (۱۹۶۶)؛ نوکس^۵ (۱۹۸۸)، ساندرسون^۶ (۲۰۱۲)؛ گوسوس^۷ و تایون^۸ (۲۰۲۰)؛ الکامل^۹ و همکاران (۲۰۲۱) و بواتینگ و آدامز^{۱۰} (۲۰۲۳)، با جدیت بیشتری دنبال شد. اما با تحلیل این بررسی‌ها، مشخص می‌شود که تقریباً همگی آنها، مقوله حاشیه‌نشینی را به عنوان پدیده‌ای تحمیلی به شهر نگریسته‌اند و به همین دلیل، راهکارهای سلبی را بیش از رویکردهای ایجابی مدنظر داشته‌اند. علاوه بر آن، راهکارهای ارائه شده خطی و ساده‌سازی شده بوده و از همین‌رو، اغلب غیرقابل اجرا تصور گردیده و یا در صورت اجرا، کمتر درمانی و بیشتر مسکن بوده‌اند. در نتیجه، در پژوهش کنونی تلاش شد تا مشکل حاشیه‌نشینی به عنوان مسئله‌ای کثیرالابعاد مدنظر قرار گرفته و به همه اجزای آن در حد و اندازه خود توجه گردد. بنابراین، بررسی کنونی، عمدتاً عملگرایانه بوده و بر این نکته تاکید شده‌است که شهر سیستمی چند بعدی است و زیر سیستم‌های مختلفی دارد و در مواردی این زیر سیستم‌ها در تضاد با هم قرار دارند. در نتیجه، ممکن است اصلاح

^۱. Chadwike

^۲. Sabine

^۳. Elias

^۴. Clinard

^۵. Knox

^۶. Sanderson

^۷. Goussous

^۸. Tayoun

^۹. All-Kamal

^{۱۰}. Boateng & Adams

یک بخش، آثار سوئی در سایر بخش‌ها ایجاد نماید. به همین دلیل، اصلاحات باید به نحوی انجام گیرد که نتایج مثبت به حداکثر و پیامدهای منفی به حداقل ممکن کاهش پیدا نماید.

در مبحث مبانی نظری هم باید عنوان داشت که در ارتباط با بازآفرینی و ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای، رویکردهای متعددی ارائه شده‌است که در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان آنها را در قالب چند عنوان مشخص تشریح نمود. یکی از این دیدگاه‌ها، رویکردهای لیبرالی است. صاحب‌نظران این دیدگاه، پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی را فرایندی طبیعی تلقی می‌کنند و برای تحلیل آن از قوانین بازار آزاد استفاده نموده، مسئله پیش‌افتادن تقاضا از عرضه را مطرح کرده و در نتیجه، به عمق مسئله یعنی شکاف طبقاتی و فقر به عنوان نتیجه قهری سرمایه‌داری و به‌ویژه به انحصاری شدن و جهانی‌سازی، توجه جدی نمی‌کنند. چرا که در این دیدگاه، آزادی عمل و مکانیسم بازار، بهترین الگوی ممکن محسوب می‌شود (پیران، ۱۳۶۶: ۱۶). شاید به همین دلیل است که اکنون دولت‌ها سیاست‌های عرضه‌گرا را رها نموده و با مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی، تلاش دارند تامین مسکن را از طریق وام و بدهکار ساختن مالکین انجام دهند (Aalbers, 2015).

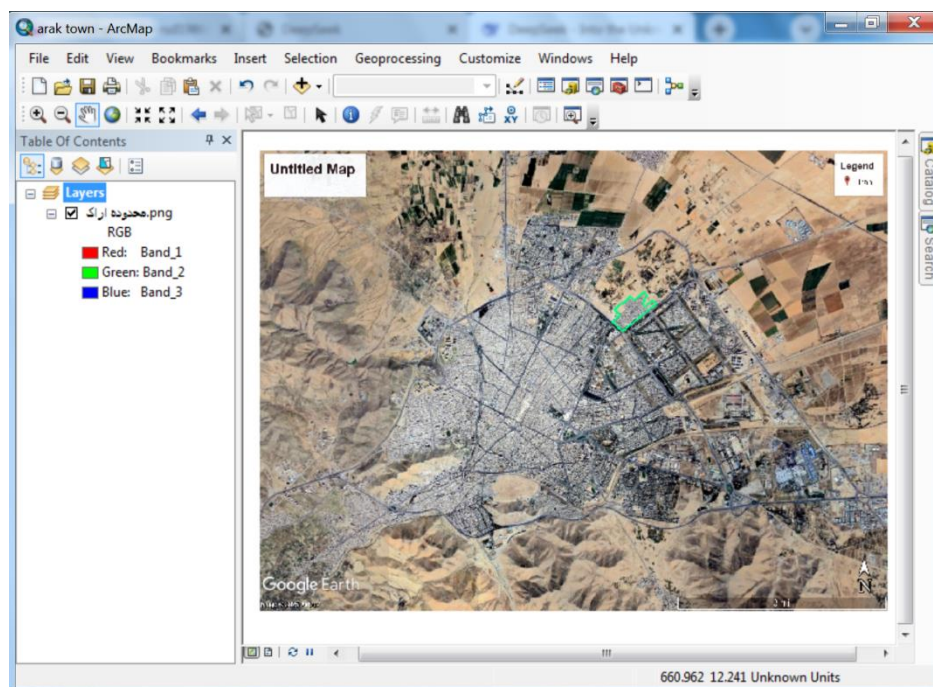
دیدگاه بعدی، دیدگاه رادیکالی است که در مقابل دیدگاه لیبرالی، مطرح گردید. از نقطه‌نظر صاحبان این دیدگاه، شکل‌گیری اسکان غیررسمی در جهان سوم، معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی از یک سو و ویژگی‌های ملی از سوی دیگر است و تنها بر حفظ، نگهداری و پذیرش وضع موجود تأکید می‌کنند (اصغری زمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۴۸). به عنوان مثال، ترنر معتقد بود «سازندگان آلونک‌ها و سکونت‌گاه‌های نامتعارف، برنامه‌ریزان شهری و معمارانی هستند که در جوامعی که برنامه‌ریزی شهری و معماری رسمی به فکر آن‌ها نیستند، خود به فکر خویش می‌باشند» (پیران، ۱۳۷۴: ۲۸). در همین زمینه، آرتور لوئیس، معتقد است که نباید از ساکنان این سکونت‌گاه‌ها حمایت کرد؛ چرا که این امر باعث تشویق مهاجرت به این مکان‌ها می‌شود و فرهنگ فقر در آن‌ها شکل می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۹۰: ۱۹۹) و انتقال فقر و محرومیت از نسلی به نسلی دیگر از طریق ترکیب موقعیت خانوادگی و شرایط محلی و محله‌ای و در نهایت بی‌خانمانی می‌شود (Knox, 1988: 476-480).

رویکرد دیگر، تکامل‌گرایی از طریق نوسازی است که بر بسیاری از مدل‌های فضایی رایج تأثیر نهاده و زیربنای سیاست‌های شهری را در کشورهای در حال توسعه شکل داده‌است (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۵۴) و راه‌حل مشابهی را برای محلات حاشیه‌نشین عرضه می‌کند. علاوه بر آن، رویکرد تعاملی مرکز-پیرامون به سرریز یا جذب جمعیت و فعالیت کلان‌شهرها در نواحی پیرامون آن و تحول نقش و عملکرد مراکز کلان‌شهری، اشاره دارد. در این نظریه، فرایند شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای نتیجه بهره‌کشی ناعادلانه هسته شهری است. به بیان دیگر، هسته مرکزی شهر، به دلیل عامل سلطه بر پیرامونش که خود از انباشت سرمایه در درون و عدم سرمایه‌گذاری در بیرون حاصل می‌شود، پیوسته خود را تقویت کرده و ناحیه بیرونی را از توسعه فیزیکی و انسانی باز می‌دارد (قرخلو و شریفی، ۱۳۸۳: ۸۸). در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، گروه دیگری از متفکران، از جمله نظریه‌پردازان مکتب وابستگی، عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه را معلول تسلط اقتصادی و روابط سیاسی عنوان نمودند که در طول تاریخ، کشورهای توسعه‌نیافته را به کشورهای پیشرفته وابسته نموده و توسعه دومی را منوط به عقب‌ماندگی اولی ساخته‌است. از دیدگاه برخی از اندیشمندان، حاشیه‌نشینی و پیدایش گروه‌های حاشیه‌ای و کم‌درآمد جامعه‌های شهری کشورهای در حال توسعه، ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد بین کار و سرمایه است و پیامد قهری عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصادی سرمایه‌داری محسوب می‌شود. بنابراین، در روند تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه‌داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، اجتناب‌ناپذیر است (حاج-یوسفی، ۱۳۸۱).

مطابق شرح ارائه شده، تمام دیدگاه‌های مطرح شده تاکنون، روند ایجاد و شکل‌گیری این پدیده را تبیین و تشریح کرده‌اند و تلاش اصلی آنها تأکید بر نقش دولت و به خصوص تدوین سیاست‌های کلان، بوده‌است (صابری‌فر، ۱۴۰۱). اما عملاً چنین روندی نتیجه‌بخش نبوده‌است. چرا که تقریباً در تمام کشورها با نوعی از حکمروایی نامناسب و عدم تدوین سیاستها و اصول مدیریت شهری، مداخلات نامناسب حکومت، عدم حاکمیت قانون و فساد گسترده و محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی و ضعیف در تدوین سیاست‌ها و روش مدیریت شهری روبرو هستیم (Sanderson, 2012).

محدوده مورد مطالعه

کوی قنات ناصری یکی از محلات شهر اراک است که در زمانی نه چندان دور، به عنوان یکی از روستاهای خوش آب و هوا و آب فراوان شناخته می‌شد. این روستا، باغات و زمین کشاورزی زیادی داشت و به همین دلیل، محلی جهت تفریح و گذران اوقات فراغت ساکنان شهر اراک ایفای نقش می‌کرد. به مرور زمان، این روستا به علت ساخت و سازهای غیر اصولی، دستخوش تغییرات شدید گردید. به طوری که بافت قدیمی آن، تبدیل به یکی از سکونت‌گاه‌های غیر رسمی شهر اراک گردید. از آن زمان به بعد، این محدوده نه یکی تفرجگاه، بلکه یک تله فضایی برای مهاجرانی شد که از نقاط دور و نزدیک وارد شهر اراک می‌شدند. رشد این محله به قدری بوده است که هم اینک، بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد و وسعت آن نیز بالغ بر ۳۶ هکتار می‌باشد. به لحاظ موقعیت جغرافیایی، محله قنات ناصری اراک، در شمال شرقی این شهر و در محدوده منطقه یک شهرداری آن قرار دارد. در مجموع، این محدوده علی‌رغم این که یک بافت شهری محسوب می‌شود، اما تجهیزات و تاسیسات موجود در آن، به هیچ عنوان در حد و اندازه یک محله شهری نمی‌باشد.

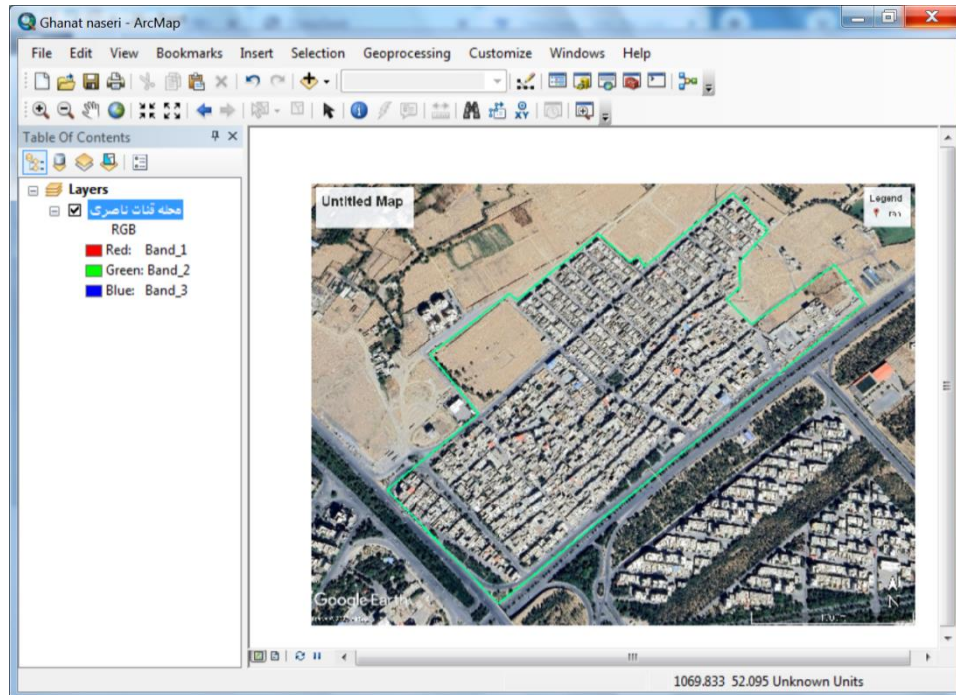


شکل ۱: موقعیت محله در شهر اراک

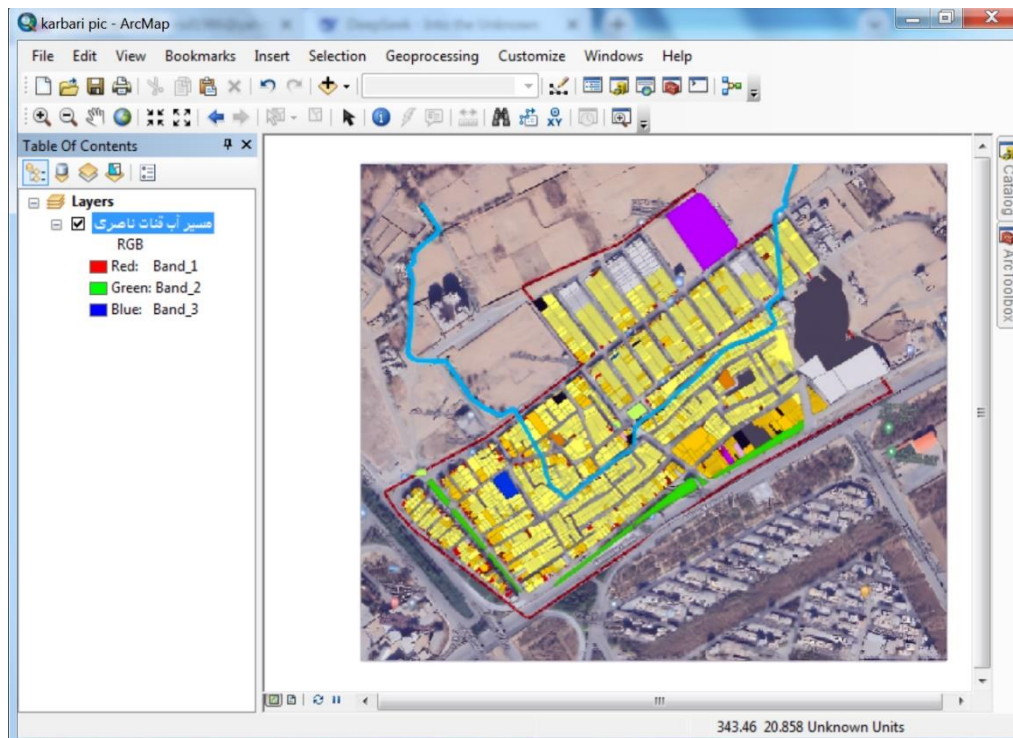
مواد و روش

این پژوهش به لحاظ روش، توصیفی و تحلیلی و به جهت هدف، کاربردی بود. جامعه مورد بررسی در این پژوهش، ساکنین بافت قنات ناصری در شمال شرقی شهر اراک بودند. با توجه به وسعت جامعه آماری و عدم امکان دسترسی به تمامی اعضای جامعه از روش مصاحبه حضوری و پایش پاسخنامه‌ها استفاده شد. حجم جامعه آماری شامل ۳۷ نفر از ساکنان تحصیلکرده و ۲۱ نفر از کارشناسان و متخصصین شرکت مشاور و سازمان عمران و بازآفرینی اراک بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارزیابی طرح ساماندهی محله قنات ناصری به بررسی نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدید و فرصت‌های پیش روی با استفاده از مدل SWOT و سپس از ماتریس

QSPM در قالب اولویت‌بندی راهبردها بهره گرفته شد. ابزارگردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی و پایایی آن با استفاده از نظر متخصصین و آلفای کرونباخ در حد ۰/۸۱ مورد تایید قرار گرفت.



شکل ۲: عکس هوایی محله قنات ناصری در سال ۱۴۰۱



شکل ۳: کاربری اراضی وضع موجود

نتایج و یافته‌ها

برای آن که شرایط موجود محدود مورد مطالعه به طور دقیق مشخص شده و آنگاه طرح متناسب ارائه گردد، ابتدا مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف و در ادامه فرصت‌ها و تهدیدهای این محله مشخص گردید. بعد از این مرحله، تحلیل وضعیت محله با استفاده از تکنیک SWOT در کلیه زمینه‌های مطالعاتی (جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، حقوقی، مدیریتی هماهنگی‌های بین بخشی، مشارکت و ...) به انجام رسید. بر اساس این یافته، تعیین راهبردها انجام شده و پس از تشریح مدل تحلیل SWOT در رابطه با منطقه قنات ناصری نسبت به ترسیم درخت مشکلات در ۴ حوزه کلیدی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی صورت گرفت. در همین مرحله، برای هر یک از زمینه‌های مورد اشاره، تحلیل‌های لازم به انجام رسید که برای نمونه تنها به ارائه یکی از جداول در این بخش اکتفا می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱. نقاط ضعف و قوت

ردیف	زمینه مطالعاتی	نقاط ضعف	نقاط قوت
۱	جمعیت و مشارکت	-بالا بودن میزان جمعیت دارای اعتیاد در سطح محله -بالا بودن میزان زنان بی سرپرست و بد سرپرست در سطح محله (۲۰۲ خانوار) برابر با ۳۴۳ نفر -وجود افراد بی سواد به تعداد ۶۵۵ نفر در سطح محله براساس سرشماری سال ۹۵ -بالا بودن میزان جا به جایی جمعیت در سطح محله از داخل و به خارج از محله	-بالا بودن درصد جمعیت جوان سطح محله -افزایش جمعیت مردان نسبت به جمعیت زنان در سطح محله -بالا بودن جمعیت افراد ۱۰ ساله و بالاتر (جمعیت فعال) در سطح محله - بالا بودن نرخ با سواد در محله -بالا بودن میزان جمعیت مهاجر پذیری در سطح محله براساس آمار پایگاه جامع سلامت محله
۲	ساخت و ساز	-مشارکت کم در گروه‌های محلی مانند خیریه، بسیج، صندوق قرض الحسنه -کمبود سرانه اوقات فراغت در سطح محله -عدم وجود هویت محلی و احساس تعلق خاطر -عدم تمایل در پرداخت عوارض شهرداری مشارکت -عدم تمایل برای هزینه شخصی جهت نوسازی منزل -عدم تمایل برای عدم سکونت در منطقه در صورت امکان -بالا بودن افراد تحت حمایت کمیته امداد	-شناسایی محله توسط ساکنین محله -رضایت از سکونت در محله -آمادگی ساکنین برای پیشرفت محله خود -احساس مسئولیت در قبال مسائل و مشکلات محله -اهمیت نوسازی و زیبایی محل سکونت برای ساکنین محله -همبستگی اجتماعی بین خانواده ها -درصد بالای جمعیت فعال -مدت اقامت ساکنین قدیمی محل -کم بودن فاصله بین واحدهای مسکونی در بافت -وجود مرکز تعالی محله -وجود ریش سفیدان و معتمدین در محله
۳	فرهنگ و اجتماع	-نحوه ارتباط و تعاملات اجتماعی با همسایگان -نبود امکانات فرهنگی در سطح محله نظیر مدرسه برای تمامی مقاطع تحصیلی -کمبود کاربری های فرهنگی و ورزشی. -تعارض فرهنگی بین ساکنین و گردشگران محله -عدم تمایل افراد جوان برای سکونت در محله	-تبعه ایران بودن ساکنان منطقه -وجود مسیر قنات و زمین های بایر به عنوان سرمایه فرهنگی -وجود افراد کارگروه ها با شناخت کافی از شرایط فرهنگی محله

<p>-نزدیکی به راه های منتهی به شهر و حمل و نقل -تمایل صاحبان منازل به اجاره سکونت گاه ها با مبالغ کمتر -میزان درصد اشتغال بیش از میزان نرخ اشتغال شهر -تعداد بالای محل های خرده فروشی -وجود اراضی بایر با قابلیت مرتبط با سکونت تا ناحیه کمربندی</p>	<p>-کمبود تامین نیازهای اساسی (خرید روزانه در محله) -مشاغل آلاینده شامل تعمیرگاهها، کارگاههای رنگرزی، صافکاری، نقاشی خودرو -عدم حمایت از کارگاه های تولیدی در محله -وجود زنان قالی باف و عدم امکانات کافی برای آنها -درآمد کم و متوسط اغلب ساکنین -عدم ساماندهی دستفروشان</p>	<p>۴ اقتصاد</p>
<p>-وجود میدان حمام در بافت محله -استفاده از مصالح تجدید پذیر در ساخت و سازهای قدیمی -آب و هوای مناسب به سبب قرارگیری در ضلع شمال شرقی</p>	<p>-دفع فاضلاب توسط چاه های جذبی -جمع آوری نامناسب و نامنظم پسماندهای خانگی -کمبود سطل زباله در سطح محله جانبازان ۱ -عدم استاندارد بودن کانال آب قنات -کمبود جدول کشی عبور آب سطح کوچه ها -هدایت فاضلاب و آب های سطحی به داخل قنات و سمت جاده طرمز -ساخت و سازهای غیرمجاز -تخریب اراضی کشاورزی -رها سازی زباله در منطقه به دلیل عدم تردد وسایل حمل زباله در کوچه ها</p>	<p>۵ زیست محیطی</p>
<p>-ستاد مدیریت بحران و پیشگیری از آسیبهای سوانح طبیعی -محدوده بلافاصل شهر اراک -ضوابط نوسازی و بهسازی در جهت بهبود ساخت و ساز مسکن</p>	<p>-عدم اطلاع ساکنین از قوانین شهرداری -فقدان جایگاه حقوق شهروندی مدون و مصوب -نبود ضمانت حقوقی و اجرایی برنامه های مدیریت -سیاست گذاری و قانون گذاری متمرکز و دولت محور مدیریت شهری</p>	<p>۶ حقوق</p>
<p>-میزان تمایل به مشارکت در ساماندهی محله -وجود کارگروه های محلی و مرکز توسعه محله -وجود ریش سفیدان و معتمدین جهت پیگیری مطالبات با نهادها و سازمان ها</p>	<p>-نبود مجوز ساخت و ساز کافی و در نتیجه عدم صرفه اقتصادی برای سرمایه گذاران -بوروکراسی و کاغذ بازیهای اداری -ارزش نداشتن سرمایه گذاری در این محله</p>	<p>۷ مشارکت های مردمی</p>
<p>-نرخ مشارکت اقتصادی مردان در محله قنات ناصری بیشتر از شهر -اعلام همکاری ساکنین از جمله آقایان افتخاری جهت پیاده سازی سند و تهیه نقشه برای محله -واگذاری زمین رایگان از سوی هیات امنای مسجد بابا الحوارج و انصارالحسین جهت ساخت مجموعه چندمنظوره</p>	<p>-آگاهی پایین ساکنین نسبت به راههای مطالبه گری از دستگاه های مدیریتی -تمایل به صورت همکاری غیر مالی ساکنین (عدم پرداخت عوارض پسماند و نوسازی) -تمایل کم ساکنین به مشارکت در بهسازی و نوسازی در صورت درخواست نهادهای عمومی</p>	<p>۸ مشارکت</p>
<p>-امکان استفاده از کاربری های بایر و صنعتی -امکان اضافه شدن کاربری های تجاری -پایین بودن هزینه خرید متراژ ملک مسکونی به نسبت سایر مناطق شهر -امکان ایجاد مراکز تجاری در لبه ها</p>	<p>-عدم وجود پل عابر پیاده در ورودی محله از طرف منطقه خانه سازی و خیابان دانشگاه -نبود خط تاکسی در تمام نقاط محله -آسفالت نامناسب در معابر -عدم روشنایی کافی در کوچه ها و میادین -عدم وجود مجتمع پزشکی و درمانی -کمبود مراکز پخت نان در سطح محله -نداشتن سند منازل مسکونی و قول نامه ای بودن منازل -نبود پارک و مراکز اوقات فراغت و اماکن ورزشی تفریحی برای بازی کودکان در محله -نبود بازارچه های خرید و فروش محلی -نبود بانک و موسسات مالی -وجود خیابانهای فرعی و دسترسی های بن بست -وجود مشاغل صنعتی و ایجاد آلودگی صوتی -ابعاد و اندازه کم پلاک -وجود معابر کم عرض و دارای انحنا و انحراف مسیر</p>	<p>۹ کامیونیتی</p>

- وجود معابر با شیب زیاد
- همجواری کارگاه‌های صنعتی با کاربری‌های مسکونی
- بافت‌های حاشیه نشینان در بخش‌های جنوبی محله
- با کیفیت‌های نامطلوب غیر منتظم
- عدم ارتباط فضایی بین عناصر محله‌ای
- وجود ساختمان‌های قدیمی و غیر مقاوم

چهارچوب مفهومی مدل استراتژیک SWOT

SWOT، مدل تحلیلی مختصر و مفید است که به شکل نظام‌یافته هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها را مشخص کرده و استراتژی‌های متناسب با موقعیت مدنظر را عرضه می‌کند. در این روش، تلاش‌هایی برای تجزیه و تحلیل شرایط بیرونی و وضعیت درونی به عمل آمد و بر اساس آن، استراتژی مناسب برای بقاء طراحی گردید. در این مدل، فرصت‌ها و تهدیدها نشان دهنده چالش‌های مطلوب و یا نامطلوب عمده‌ای است که در محیط فراروی محدود وجود داشته و در مقابل، قوت‌ها و ضعفها (شایستگی‌ها، توانایی‌ها، مهارت‌ها، کمبودها) وضعیت محیط داخلی تشکیلات مورد مطالعه را به نمایش می‌گذارد. پس از اینکه عوامل محیطی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل درونی (قوت‌ها و ضعفها) شناسایی شد و عوامل کلیدی آنها از غیر کلیدی مجزا گردید، زمان انتخاب و پیشنهاد استراتژیها فرا می‌رسد (شکل ۴).

WO محافظه کارانه (نگهداری + حمایت درونی)	SO تهاجمی (رشد و توسعه)
WT تدافعی (واگذاری + انحلال)	ST رقابتی (نگهداری - حمایت بیرونی)

شکل ۴. نمره نهایی ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

مطابق بررسی‌های صورت گرفته، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (۲,۳۸۵) و ماتریس ارزیابی خارجی (۲,۷۳) مشخص گردید. این اعداد مشخص می‌سازد که استراتژی اصلی محله قنات ناصری در خانه ۲ قرار گرفته است و می‌بایست راهبردی محافظه کارانه مبتنی بر (نگهداری و حمایت درونی) در جهت کم کردن نقاط ضعف داخلی و استفاده از فرصت‌های محیط خارج اتخاذ شود.

تهیه ماتریس QSPM و تشکیل ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی

هدف اصلی این ماتریس، ارزیابی امکان‌پذیری و پایداری راهکارهای پیشنهادی در مواجهه با شرایط محیطی و وضع موجود می‌باشد. نتایج حاصل از این ماتریس به شرح ذیل می‌باشد:

مرحله اول، فرصت‌ها و تهدیدات خارجی و نقاط قوت و ضعف داخلی موقعیت مورد مطالعه در ستون راست ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی فهرست شد. این اطلاعات به‌طور مستقیم از ماتریس‌های EFE و IFE اخذ گردید. در این شرایط، بایستی حداقل ۱۰ عامل خارجی (فرصت و تهدید) و ۱۰ عامل مهم داخلی (نقاط قوت و نقاط ضعف) در ماتریس ارائه شود. مرحله دوم برای هر یک از عوامل داخلی و خارجی ضریبی در نظر گرفته شد، این ضرایب با توجه به ماتریس‌های EFE و IFE تعیین شده و در ستون دوم در برابر عامل (متغیر) مورد نظر قرار گرفت. مرحله سوم با در نظر گرفتن مرحله دوم فرموله شده، یعنی مرحله تلفیق و ترکیب، استراتژی‌های قابل اجرا انجام شده و در ردیف بالای ماتریس برنامه‌ریزی

استراتژیک کمی قرار گرفت. در این شرایط، استراتژی‌های یک شکل در یک دسته جای گرفت. مرحله چهارم رتبه‌ها (امتیازهای) جذابیت تعیین شده و به صورت مقادیر عددی در قالب رتبه‌ها (امتیازهای) نسبی هر استراتژی مشخص گردید. امتیاز جذابیت، با در نظر گرفتن زمان عوامل بحرانی موفقیت و طرح سؤال زیر حاصل شد: آیا این عامل در انتخاب استراتژی مورد نظر تأثیر گذار است؟ در صورتی که پاسخ به این سؤال مثبت باشد، آنگاه آن استراتژی با این عامل کلیدی مقایسه می‌شود. رتبه‌ها (امتیازهای) جذابیت باید به صورت خاص و با توجه به جذابیت نسبی هر استراتژی به استراتژی دیگر داده شود. در ادامه به ترتیب براساس هریک از راهبردها با توجه به میزان جذابیت هریک از نقاط ضعف، قوت، فرصت یا تهدید برای همه راهبردها میزان جذابیت و امتیازدهی انجام شد. با توجه به نتایج به دست آمده، استراتژی‌های حاصله هر راهبرد به شرح ذیل می‌باشد:

راهبرد SO – تهاجمی:

- ۱) شناسایی و بازسازی مسکن قدیمی و ارائه طرح برای بافت‌های ناکارآمدتر؛
- ۲) توجه بیشتر به مشارکت شهروندان در زمینه همکاری برای رسیدگی به معضلات محله؛
- ۳) اختصاص بودجه و تخصیص تسهیلات جهت احداث مکان‌های تفریحی، فرهنگی و ورزشی؛
- ۴) افزایش ناوگان و جایگاه‌های توقف حمل و نقل عمومی جهت دسترسی بهتر شهروندان؛
- ۵) ایجاد کاربری‌های تجاری در زمین‌های بایر و نقاط شلوغ، جهت اشتغال‌زایی و افزایش درآمد و گردش مالی ساکنین؛
- ۶) تلاش برای معرفی بیشتر قابلیت‌ها و توانمندی‌های فرهنگی و استفاده از فرهنگ جمعی برای توسعه محله؛
- ۷) تأکید بر آموزه‌های دینی و فرهنگ‌سازی در جهت پیش‌گیری از فرسودگی منازل و آموزش جهت بهسازی واحدهای مسکونی و
- ۸) آموزش معتمدین محله و اعضاء کارگروه‌ها برای ارتباط مستقیم با نهادهای متولی مثل، شهرداری، اداره مبارزه با مواد مخدر و شورای شهر برای استفاده از تسهیلات و همکاری‌های ممکن.

راهبرد ST – تنوع:

- ۱) مدیریت و کنترل محل تجمع و جمع‌آوری زباله در سطح محله؛
- ۲) نظارت و بازرسی نهاد مدیریت حمل و نقل به محله و مسیر و توقف‌گاه‌های خطوط اتوبوس و تاکسی؛
- ۳) حضور گشت نیروی انتظامی در ساعات مختلف شبانه روز در کوچه‌ها و نقاط درگیری و توزیع مواد مخدر؛
- ۴) افزایش و تجهیز مراکز درمانی - بهداشتی به منظور ارائه خدمات مناسب؛
- ۵) توجه بیشتر به کودکان و برگزاری دوره‌های آموزشی - تربیتی در مرکز تعالی محله؛
- ۶) ارائه راهکار و برنامه‌های رایگان در زمینه آموزش و مشاوره خانواده‌های کم‌درآمد و
- ۷) توجه به مشارکت مردمی در ارائه نظر و راهکار برای مسائل محله و برگزاری جلسات طوفان فکری با حضور ساکنین.

راهبرد WO – تغییر جهت:

- ۱) ایجاد فضا و تهیه تجهیزات بازی و در دسترس در مکان‌های تجمع یا زمین‌های با امکان تغییر کاربری برای کودکان؛
- ۲) همکاری شورای عالی مسکن و شهرسازی و در نظر گرفتن تسهیلات با بهره کم جهت نوسازی مسکن؛
- ۳) دخالت سازمان مدیریت پسماند، شورای مبارزه با مواد مخدر و میراث فرهنگی در راستای اهداف توسعه پایدار؛
- ۴) نظارت سازمان مدیریت حمل و نقل به وضعیت نقاط دسترسی و دسترسی بهتر به حمل و نقل عمومی؛
- ۵) رسیدگی سازمان شهرداری و عمران و بازآفرینی به وضعیت دسترسی و تعبیه پل‌های عابر پیاده در خیابان دانشگاه، بلوار کشاورز و ...؛
- ۶) افزایش انگیزه برای مشارکت و مطالبه‌گری ساکنین از طریق تهیه بروشور و نصب پلاکارت و معرفی نهاد توسعه محله؛
- ۷) اختصاص زمین و فضاهای چند منظوره جهت گذران اوقات فراغت و برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی؛
- ۸) تفکیک محل کاربری‌های مسکونی از صنعتی، انتقال کارگاه‌های صنعتی در محدوده چشمه ۱ الی ۱۶ و ارائه تسهیلات خرید و اجاره به ساکنین؛
- ۹) ارائه برنامه و مذاکره با شهرداری و معاونت شهرسازی و معماری و ارتباط آنان با شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مسکن‌ساز برای افزایش تمایل بخش خصوصی برای ساخت و ساز در سطح محله؛
- ۱۰) بررسی وضعیت زیر ساخت‌ها و برنامه‌ریزی بین بخشی در جهت تهیه و تجهیزات آنها؛
- ۱۱) ورود شورای مبارزه با مواد مخدر در جهت آموزش، پیشگیری و ساماندهی معتادین نسبت و آگاه‌سازی آنان نسبت به سو مصرف مواد مخدر و ناهنجاری‌های اجتماعی و

۱۲) بستن تفاهم نامه در حوزه سلامت جهت کاهش هزینه‌های درمانی و استقرار مجموعه‌های درمانی در محله.

راهبرد WT – تدافعی:

- ۱) رسیدگی سازمان حمل و نقل در راستای تسهیل شرایط عبور و مرور در خیابان‌های منتهی به بافت قنات ناصری؛
- ۲) در نظر گرفتن و ایجاد محیط‌های باز و دارای امنیت کافی جهت تعامل اجتماعی و گذران اوقات فراغت شهروندان؛
- ۳) ایجاد و توزیع کاربری‌های تجاری معظم (مال) در سطح محله برای رفیع نیازهای روزانه ساکنین؛
- ۴) تقویت همکاری‌های بین‌بخشی در راستای لزوم رعایت ضوابط و انجام طرح‌های فنی و شهرسازی در امر نوسازی و بهسازی بناها؛
- ۵) بالابردن امنیت و ایمنی محله با افزایش گشت نیروهای انتظامی؛
- ۶) پخش تراکت و بروشور در جهت ارائه راهکارهای جلوگیری از بروز ناهنجاریهای اجتماعی، مزاحمت‌ها و سر و صدا در میان ساکنین؛
- ۷) الزام برخی از عمده مالکان در جهت همکاری با نهادهای ذی‌ربط برای تفکیک زمین؛
- ۸) همکاری معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری جهت اشتغال‌زایی جوانان و
- ۹) اقدام شهرداری جهت تعبیه پل عابر پیاده مقابل بیمارستان آیت ... خوانساری.

مرحله تصمیم‌گیری

در این مرحله، مقایسه‌ای بین اطلاعات به دست آمده در ماتریس SWOT و ماتریس داخلی و خارجی IE انجام پذیرفت. در ماتریس SWOT چهار دسته راهبرد متناسب با وضعیت داخلی و خارجی مشخص شد و در ماتریس IE نیز آشکار شد که موقعیت محله قنات ناصری در جدول چهارخانه‌ای IE در بخش WO قرار دارد. بدین ترتیب، با تاکید بر راهبردهای محافظه‌کارانه، راهبرد تهاجمی در اولویت بعدی قرار گرفت (جداول ۲ تا ۷).

جدول ۲. اهداف و استراتژیهای SO (تهاجمی)
توجه بیشتر به مشارکت شهروندان در زمینه همکاری برای رسیدگی به معضلات محله با امتیاز ۲,۳۶۲ رتبه ۳ آموزش معتمدین محله و اعضاء کارگروه‌ها برای ارتباط مستقیم با نهادهای متولی مثل شهرداری، اداره مبارزه با مواد مخدر و شورای شهر برای استفاده از تسهیلات و همکاری‌های مورد نیاز با امتیاز ۲,۷۸ رتبه ۱ شناسایی و بازسازی مساکن قدیمی و ارائه طرح برای بافت‌های ناکارآمدتر با امتیاز ۲,۶۳ رتبه ۲ تلاش برای معرفی بیشتر قابلیت‌ها و توانمندی‌های فرهنگی و استفاده از فرهنگ جمعی برای توسعه محله با امتیاز ۲,۳۰۹ رتبه ۴
جدول ۳. اهداف و استراتژیهای WO (محافظه کارانه)
تهیه تفاهم نامه در حوزه سلامت جهت کاهش هزینه‌های درمانی و استقرار کادر درمان در محله با امتیاز ۲,۹۶۱ رتبه ۱ افزایش انگیزه برای مشارکت، مطالبه‌گری ساکنین از طریق تهیه بروشور و نصب استند و معرفی نهاد توسعه محله با امتیاز ۲,۴۸۶ رتبه ۲ دخالت سازمان مدیریت پسماند، شورای مبارزه با مواد مخدر و میراث فرهنگی در راستای اهداف توسعه پایدار با امتیاز ۲,۳۰۵ رتبه ۳ ارائه برنامه و مذاکره با شهرداری و معاونت شهرسازی و معماری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مسکن ساز برای افزایش تمایل بخش خصوصی برای ساخت و ساز در سطح محله با امتیاز ۲,۲۱ رتبه ۴
جدول ۴. اهداف و استراتژیهای ST (رقابتی)

توجه به مشارکت مردمی در ارائه نظر و راهکار برای مسائل محله و برگزاری جلسات طوفان فکری با حضور ساکنین با امتیاز ۲,۰۹۲ رتبه ۱
 ارائه راهکار و برنامه‌های رایگان در زمینه آموزش و مشاوره خانواده‌های کم درآمد در زمینه کودکان با همکاری آموزش و پرورش با امتیاز ۱,۷۹۷ رتبه ۲
 توجه بیشتر به کودکان و برگزاری دوره‌های آموزشی - تربیتی در مرکز تعالی محله با امتیاز ۱,۷۰۷ رتبه ۳
 حضور گشت نیروی انتظامی پلیس در ساعات مختلف شبانه روز در کوچه‌ها و نقاط درگیری و توزیع مواد مخدر با امتیاز ۱,۶۳۲ رتبه ۴

جدول ۵. اهداف و استراتژیهای WT (تدافعی)

بخش تراکت و بروشور در جهت ارائه روش‌های جلوگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی، مزاحمت و سر و صدا در میان ساکنین با امتیاز ۳,۹۰۵ رتبه ۱
 همکاری معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری جهت اشتغال‌زایی جوانان با امتیاز ۳,۶۸۶ رتبه ۲
 الزام عمده مالکان (خانواده افتخاری) برای همکاری با نهادهای ذی‌ربط برای تفکیک زمین و رسیدگی به مالکیت فردی زمین‌های محله با امتیاز ۳,۵۴۵ رتبه ۳
 رسیدگی شهرداری جهت تعبیه پل عابر پیاده مقابل بیمارستان آیت ... خوانساری با امتیاز ۲,۲۷۶ رتبه ۴

جدول ۶. اولویت بندی نهایی راهبردها بر اساس مجموع نهایی امتیاز جذابیت

راهبرد امتیاز		راهبرد امتیاز		راهبرد امتیاز		راهبرد امتیاز		اولویت اول
۳,۹۰۵	WT6	۲,۰۹۲	ST7	۲,۷۸	SO2	۲,۹۶۱	WO12	
۳,۶۸۶	WT8	۱,۷۹۷	ST6	۲,۶۳	SO8	۲,۴۸۶	WO6	اولویت دوم
۳,۵۴۵	WT7	۱,۷۰۷	ST5	۲,۳۶۲	SO1	۲,۳۵۰	WO3	اولویت سوم
۲,۲۷۶	WT4	۱,۶۳۲	ST3	۲,۳۹۰	SO6	۲,۲۱	WO9	اولویت چهارم

جدول ۷. اولویت بندی نهایی راهبردها بر اساس مجموع نهایی امتیاز جذابیت (QSPM)

رتبه	راهبرد	مجموع نهایی امتیاز جذابیت
۱	بخش تراکت و بروشور در جهت روش‌های جلوگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی	۳,۹۰۵
۲	همکاری معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری جهت اشتغال‌زایی جوانان	۳,۶۸۶
۳	الزام عمده مالکان در جهت همکاری با نهادهای ذی‌ربط برای تفکیک زمین	۳,۵۴۵
۴	تهیه تفاهم‌نامه در حوزه سلامت جهت کاهش هزینه‌های درمانی	۲,۹۶۱
۵	آموزش به معتمدین محله برای ارتباط مستقیم با نهادهای متولی	۲,۷۸
۶	شناسایی و بازسازی مسکن قدیمی	۲,۶۳
۷	افزایش انگیزه برای مشارکت و مطالبه‌گری ساکنین	۲,۴۸۶

۲,۳۶۲	توجه بیشتر به مشارکت شهروندان در زمینه همکاری برای رسیدگی به معضلات محله	۸
۲,۳۰۹	تلاش برای معرفی بیشتر قابلیت‌های فرهنگی محله	۹
۲,۳۰۵	دخالت سازمان‌های مرتبط در راستای اهداف توسعه پایدار	۱۰

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مطالعه ساماندهی محله قنات ناصری شهر اراک مدنظر بود. به این منظور، ابتدا با استفاده از نقطه نظرات شرکت‌کنندگان در پژوهش، قابلیت‌ها، تنگناها، فرصت‌ها و تهدیدها مشخص گردید. بر اساس این یافته‌ها، مشارکت مردمی، بهبود زیرساخت‌های کالبدی، رفع مشکلات زیست‌محیطی و توانمندسازی اقتصادی از جمله عوامل کلیدی در بازآفرینی این محله تعیین شد. در واقع، تحلیل‌ها نشان داد که راهبرد ساماندهی محله قنات ناصری در ماتریس SWOT در بخش WO (راهبردهای محافظه‌کارانه) قرار می‌گیرد. از مشخصه‌های اصلی این راهبرد آن است که از فرصت‌های خارجی حداکثر بهره‌برداری به عمل آید تا نقاط ضعف مرتفع شود. این یافته با نتایج بسیاری از مطالعاتی که تاکنون در ارتباط با محلات حاشیه‌نشین و یا بافته‌های فرسوده به عمل آمده‌است هماهنگ می‌باشد (صابری‌فر، ۱۳۹۸). اما طرح‌ها و پروژه‌هایی که تاکنون بر اساس این استراتژی تدوین و اجرا شده، اغلب نتایج متناسب را به همراه نداشته‌است (مفیدی و قاسیم شریفی، ۱۳۹۸). بررسی علل این ناکامی‌ها، نشانگر آن است که در اغلب موارد مداخلات صورت گرفته اولویت‌ها و هماهنگی‌های بین پروژه‌های مورد نیاز را عملاً مدنظر نداشته‌اند. این در حالی است که برای ایجاد تغییرات مثبت و سازنده در محل، بایستی سه پارامتر اساسی موقعیت اجتماعی، وضعیت انسانی و محیط فعال، توأمان مدنظر باشند. در این معنا، موقعیت اجتماعی به شرایط نسبی درک شده در جامعه (و بنابراین میزان تبعیض) مربوط است. وضعیت انسانی به محدوده و میزان استفاده از دارایی‌های نامشهود اشاره دارد. محیط توانمند اساساً با اثربخشی حکمرانی شکل می‌گیرد. رابطه این اجزا همانند نمادهای ریاضی در یک معادله بوده و در هم ضرب می‌شود. در نتیجه، اگر یکی از این عناصر مدنظر قرار نگرفته و فعالیت مناسب برای آن انجام نشود، ضریب اختصاص یافته به آن، صفر خواهد بود. بنابراین، وقتی یکی از این اجزا صفر باشد، میزان تغییر نهایی هم صفر خواهد شد. به همین دلیل، هر نوع دخالتی در این مناطق بایستی در قالب سه استراتژی متمرکز، همپوشان و تقویت‌کننده مدنظر قرار گیرد. این یافته با نتایج کار سندرسون^۱ (۲۰۱۲) هماهنگ می‌باشد.

شرایط محله قنات ناصری اراک نشان می‌دهد اغلب طرح‌ها و پروژه‌هایی که برای ایجاد تغییر صورت گرفته‌است، اغلب همه و یا بخش زیادی از عوامل مورد اشاره را نادیده گرفته و یا زمینه‌های اجرای آن را مدنظر نداشته‌است. به عنوان نمونه، یکی از عناصر اصلی در فراهم‌سازی شرایط انسانی آن است که مشارکت مردمی در بالاترین سطح خود ممکن گردد. اما از آنجا که سازمان‌ها و نهادهای مداخله‌کننده در این بخش، به مولفه‌های اثرگذار با توجه به شرایط موجود در ارتباط با مشارکت مردمی توجهی نداشته‌اند، چنین مشارکتی ممکن نشده و در واقع، بخشی از معادله با مقدار صفر در نظر گرفته شده‌است. مطابق یافته‌های این بررسی، محله مورد اشاره با وجود آن که جمعیتی با منشاهای جغرافیایی متفاوت را پذیرا بوده‌است، اما به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، این گروه به مجموعه‌ای از باورهای سنتی اعتقاد دارند که همین عامل ارتباط آنان را با نهادها و متخصصان خارجی دشوار نموده‌است. دلیل اصلی این امر آن است که نیروهایی که به قصد مداخله در این محله وارد شده‌اند، سنت‌ها، باور و ارزش‌های مردم ساکن را به خوبی نشناخته‌اند. همین شرایط سبب شده‌است که آنها در بعد به رسمیت شناختن و ادغام دانش سنتی ناتوان باشند و از همین‌رو، شور و شوق ساکنین محلی را نه تنها باعث نشده‌اند، بلکه آن را نابود کرده‌اند. این یافته در کارهای فهمی^۲ و همکاران (۲۰۱۶)، مورد تأکید قرار گرفته‌است.

همانطور که بیان شد، هیچ تحولی بدون حضور همزمان و موثر سه موقعیت مورد اشاره، بروز نخواهد کرد. این موقعیت‌ها تنها از طریق تأمین و تولید دارایی‌های لازم و یا بهره‌برداری موثر از انواع موجود در محل حاصل می‌شود. در شرایطی که چنین امکانی در اختیار افراد نباشد، بیرون آمدن

1. Sanderson

2. Fahmi

از چالش فقر، تقریباً غیرممکن است. بنابراین، اولین اقدام در این ارتباط آن است که موقعیت اجتماعی دچار تغییر اساسی شود. در این شرایط ساکنین این امکان را پیدا خواهند کرد که به شبکه‌ها، گروه‌های اجتماعی و پیوندهای خانوادگی مناسب دسترسی پیدا نمایند و کسب مهارت‌ها و توانایی‌های فنی، تحصیلی و ... به راحتی ممکن گردد. در کنار این شرایط، اجرای طرح‌ها و پروژه‌هایی که محیط فعال را زمینه‌سازی نماید، ضرورتی غیرقابل انکار است. همانطور که پیش از این بیان شد، برای تامین محیط فعال، شرایط سیاسی و مدیریتی بایستی از شکل آمرانه و دستوری خارج شده و رویکردی مشارکت‌جویانه را در پیش گیرد. اگر چنین رویکردی در عمل و با تامین زیرساخت‌های لازم مدنظ باشد، نهادها و سازمان‌های حرفه‌ای، به‌خصوص کمیته‌های ساماندهی و بهسازی امکان حضور پیدا نموده و به چنان سطحی خواهند رسید که بتوانند پروژه‌های اثربخش را از طریق مردم اجرایی نمایند (CARE, 2006). در این شرایط، تمامی نهادهای خارجی از جمله، دولت، تعاونی‌ها و حتی بخش خصوصی تلاش خواهند کرد، به جای این که خود مجری و محور تغییر باشند، صرفاً تسهیلات لازم را در اختیار قرار داده و همه طراحی، اجرا و ارزیابی را توسط مردم به انجام برسانند. در واقع، حتی نهادها مسئول اگر قرار باشد، طرح و یا پروژه‌ای را اجرا نمایند، آن مواردی اولویت خواهد داشت که نیازهای غیر قطبی ساکنین را پاسخگو باشند.

در چنین شرایطی، اغلب دولتها و کارشناسان وابسته به آنها، بهبود محله‌های فقیرنشین شهری را زمینه‌ای برای افزایش جذابیت این محلات، تلقی کرده و ادعا دارند چنین روندی، مهاجرت روستائیان را تشدید می‌کند. حتی اگر چنین استدلالی را منطقی بدانیم، به لحاظ اخلاقی قابل پذیرش نیست. چرا که در این صورت باید عملاً چنین مناطقی را در فلاکت نگه داریم. این در حالی است که وقتی شرایط واقعی مدنظر قرار می‌گیرد، حتی در مناطقی که مهاجرت‌های روستایی کاهش یافته‌است، جمعیت این مناطق کاهش پیدا نکرده‌است (صابری‌فر، ۱۴۰۱). در واقع، افزایش کنونی جمعیت حاشیه‌نشین بیشتر ناشی از زاد و ولد افراد در همین محدوده است (Sanderson, 2012).

در حقیقت راهکارها و سیاست‌هایی که تاکنون برای بهبود شرایط حاشیه‌نشینان مورد استفاده قرار گرفته‌است، با ماهیت و ابعاد مشکلات هم سنخ نبوده‌است. زیرا حاکمیت ضعیف و یا ارائه خدمات نامناسب، به گسترش فساد و وقوع جرایم سازمان‌یافته فرصت می‌دهد. در شرایط فقدان مدیریت دقیق و نظارت کامل، آنانی که از قدرت بیشتری برخوردارند، همه امکانات را کنترل کرده و شرایط را برای سایرین بیش از پیش سخت می‌کنند (Narayan & Petesch, 2000: 190). حتی گاهی خود دولت با ایجاد محدودیت و یا اخراج اجباری، حاشیه‌نشینان را مورد ظلم قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، بایستی وضعیت هر یک از مناطق حاشیه‌ای به طور مجزا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بر آن اساس، ارائه طریق گردد. چرا که در برخی از مناطق، حاشیه‌نشینی به دلیل ناتوانی در برآوردن نیازهای اساسی و در بقیه به جهت فراهم نبودن شرایط برای ساخت و استفاده از دارایی‌ها و ناتوانی در دستیابی به منابع قدرت و در گروهی هم به سبب عدم توان اثرگذاری بر سرنوشت ایجاد شده‌است. بنابراین، تا این زمینه‌ها حذف نشود، امید هیچ نوع پیشرفتی نخواهد بود. به همین دلیل، در تجربه‌های موفق چون کشورهای هند، برزیل و بنگلادش، تلاش شده تا این موانع از طریق تغییر موقعیت اجتماعی، بهبود شرایط انسانی و فراهم‌سازی محیط فعال مرتفع گردد (All-Kamal et al., 2021: 2). نکته کلیدی در این اقدام، آن بوده‌است که ابتدا وضعیت و شرایط هر منطقه مشخص شده و آنگاه نسبت به ارائه طرح اقدام گردد. ظاهراً بهترین رویکردها برای تعیین و تشخیص شرایط واقعی بهره‌مندی از مدل‌های SWOT و QSPM می‌باشد. از این طریق، ابتدا تنگناها و قابلیت‌ها مشخص شده و بر اساس همین شرایط، نخست خلق دارایی شده و مشخص می‌گردد که اگر ساکنین مناطق حاشیه‌نشین دارایی‌های ضروری را در اختیار نداشته‌باشند، نمی‌توانند موقعیت فرودست خود را تغییر دهند (Sanderson, 2012). بنابراین، تحول در موقعیت اجتماعی، یعنی فرد بتواند به شبکه‌ها، گروه‌های اجتماعی و پیوندهای خانوادگی مناسب دسترسی داشته‌باشد؛ کسی که در جایگاه و موقعیت انسانی لازم قرار دارد که بتواند مهارت‌ها و توانایی‌های فنی، تحصیلی و ... را کسب نماید. این روند در ارتباط با محیط فعال به شرایط سیاسی و مدیریتی مربوط است. در این شرایط، وجود نهادها و سازمان‌های حرفه‌ای، به‌خصوص کمیته‌های ساماندهی و بهسازی که توسط مردم و به کمک دولت شکل گرفته باشند، غیرقابل انکار است (CARE, 2006). روشن است که این موارد تنها به سرمایه‌های غیر مشهود اشاره داشته و سایر سرمایه‌هایی که تحت عنوان مشهود (فیزیکی، مالی و طبیعی) از آنها یاد می‌شود، شایان توجه هستند. واضح است که توانایی کسب و یا خلق، استفاده و نگهداری از دارایی‌ها به عوامل خارجی بستگی دارد. عواملی چون در دسترس بودن و کنترل منابع و تبعیض‌هایی که افراد با آن مواجه هستند. بنابراین، هر کس در هر جای شهر زندگی کند و به این

سرمایه‌ها دسترسی نداشته و یا نتواند از آنها استفاده کند، حاشیه‌نشین محسوب شده و به عامل مخربی برای خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، تبدیل خواهد شد.

منابع و مآخذ

- صابری‌فر، ر. (۱۴۰۲). تعیین محلات اولویت دار برای بازآفرینی در بافت های ناکارآمد شهری بر اساس نظریه پذیرش نوآوری (مطالعه موردی: شهر تربت حیدریه). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۸، شماره ۴، صص ۱۹۸-۱۸۵.
- صابری‌فر، ر. (۱۴۰۲). طراحی مدلی برای تعیین سهم عوامل مؤثر بر بازگشت حاشیه‌نشینان به روستا؛ مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان. مسکن و محیط روستا، دوره ۴۲، شماره ۸۲، صص ۹۵-۱۱۰.
- صابری‌فر، ر. (۱۳۸۸). تاریخ علم برنامه‌ریزی شهری. انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران. <http://pnu.ac.ir/portal/home>
- قلعه‌گلایی، ه. (۱۳۵۰). بررسی حاشیه‌نشینان شهری (وضع موجود). موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران.
- <https://ensani.ir/fa/article/download/233084>
- نباتی، ق. (۱۳۵۷). مطالعه وضع مسکن حاشیه‌نشینان. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه شیراز.
- پیران، پ. (۱۳۶۶). آلودگی‌نشینی در تهران. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۲۳-۱۷، صص ۱-۱۲.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/173512>
- زاهدزاهدانی، س. (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی در ایران، دانشگاه شیراز، شیراز.
- حسین‌زاده‌دلیر، ک. (۱۳۷۱). طرح تحقیقی حاشیه‌نشینان تبریز. انتشارات موسسه تحقیقات شهری وابسته به کمیته علوم انسانی جهاد دانشگاهی، تبریز. <https://www.shahrnegar.com/product/informalsettlement-tabriz>
- احمدیان، م. (۱۳۷۱). حاشیه‌نشینی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی. دوره ۳، شماره ۳، صص ۸۴۱-۸۱۹.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/20551>
- حاتمی‌نژاد، ح.، زمردیان، م. (۱۳۷۲). بررسی شرایط اجتماعی و اقتصادی حاشیه‌نشینان شهر مشهد. شهرداری مشهد، مشهد.
- اردشیری، م.، زاهد زاهدانی، س. (۱۳۷۵). بررسی برخی عوامل عمده اقتصادی، فرهنگی و اقلیمی مهاجرت بین استانی در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی. انتشارات مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز. <https://ssrc.shirazu.ac.ir>
- وزارت کشور. (۱۳۸۰). مدیریت مطالعات برنامه‌ریزی کشور. فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۲، شماره ۶، صص ۲۲-۳۳.
- بیانلو، ی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و شرایط بوم‌شناختی با نوع جرم و نرخ جرم در شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه شیراز. <https://elmnet.ir/vslgg?id=10947250-91361>
- مرادی، گ.، بخشنده، م. (۱۳۹۰). بررسی نقش محرومیت اجتماعی در ایجاد رفتارهای پرخطرانه میان جوانان شهر شیراز. فصلنامه پژوهشی دانشگاه آزاد. دوره ۱، شماره ۱، صص ۳۱-۴۲. <https://ensani.ir/fa/article/363302>
- فتحی، م. (۱۳۹۱). عوامل مرتبط با سلامت اجتماعی معلمان شهر مراغه. رفاه اجتماعی. دوره ۱۲، شماره ۴۷، صص ۲۲۵-۲۴۳.
- <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1130-fa.html>
- علیزاده‌ا قدم، م. (۱۳۹۴). حاشیه‌نشینی. پایش سبک زندگی، دوره ۲، شماره ۱۱، صص ۱۰۹-۱۱۵.
- نوربخش، ی.، حیدرخانی، ه.، محمدی، الف. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی جوانان مناطق حاشیه‌نشین کرمانشاه. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره ۲، صص ۲۳۳-۲۵۷.
- علیپور، ع.، علیپور، الف.، علیزاده، م. (۱۳۹۷). تحلیل عدالت فضایی در سکونتگاه‌های کویری با تاکید بر خدمات عمومی شهری، مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان. مجله جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۷۱-۸۶.
- باقری‌میاب، ش.، کریمی‌کیا، م.، زالی‌زاده، م. (۱۴۰۳). زندگی در حاشیه: ویژگی‌های محلات حاشیه‌نشین کلان‌شهر اهواز، مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۳۷-۷۶. <http://jspi.khu.ac.ir/article-1-3731-fa.html>

- اصغری زمانی، الف.، زادولی، ف.، زادولی خواجه، ش. (۱۳۹۲). حاشیه‌نشینی و فقر شهری، راهکارها و پیامدها (مطالعه موردی: شهر تبریز). اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین. ۱۲-۱.
- <https://civilica.com/doc/231970>
- پیران، پ. (۱۳۷۴). اجتماعات آلونکی، پدیده‌ای فراتر از حاشیه و حاشیه‌نشینی. ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۲، صص ۶۵-۵۰.
- فکوهی، ن. (۱۳۹۰). انسان‌شناسی شهری، نشر نی، تهران.
- ایراندوست، ک. (۱۳۸۹). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- <https://www.gisoom.com/book/1727713>
- قرخلو، م.، شریفی، ع. (۱۳۸۳). پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز). پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۰، صص ۱۰۱-۸۷. <https://ensani.ir/fa/article/47106>
- حاج‌یوسفی، ع. (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی). هفت شهر، شماره ۸، صص ۱۲-۲۴.
- <https://www.sid.ir/paper/430192/fa>
- صابری‌فر، ر. (۱۴۰۱). مسکن و اسکان غیررسمی. انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- مفیدی، م. و قاسم‌شریفی، ت. (۱۳۹۸). بازآفرینی فرهنگ‌مبنا با تأکید بر توسعه اجتماع محلی پایدار (موردپژوهی: بافت تاریخی محله راهری قزوین). جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۶۸-۳۰۱.
- صابری فر، ر. (۱۳۹۸). بررسی عوامل اثرگذار بر مشارکت مردم در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری، مورد پژوهش: شهر مشهد. پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۱۱۴-۹۶.
- Chadwike, E. (1941). The Sanitary Condition of the Labouring Population of Britain. GRT, London. <https://navigator.health.org.uk/>
- Sabine G. (1964). A History of Political Theory. London: George G. Harrap. <https://www.amazon.com/History-Political-Theory-4Th-Edn/dp/8120417062>
- Elias, Jr. C. E. (1966). Metropolis: Values in Conflict. Belmont, California.
- Clinard, Marshal B. (1966). Slum and Community Development in Self Help, New York.
- Knox, P. (1988). Places and Regions in Global Context. Book Care, New York. https://www.amazon.com.be/-/en/Paul-L-Knox/dp/0131497057?language=en_GB
- Sanderson, D. (2012). Building livelihoods to reduce risk among the most marginalized in urban areas: Strategic approaches from Dhaka, Environmental Hazards, <http://www.tandfonline.com/loi/tenh20>
- All-Kamal, M. Nursey-Bray, M. & Hassan, S.M.M. (2021). Challenges to building social capital through planned adaptation: Evidence from rural communities in Bangladesh. Current Research in Environmental Sustainability. No. 3, PP. 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.crsust.2021.100091>
- Goussous, J., & Tayoun, L. (2020). A Holistic Approach to Slum Reduction: Finding Gaps in Cairo's How-to-Deal' model with International Collected Experience. Cities & Health. Vol. 31, No. 4, PP. 1-15. <http://dx.doi.org/10.1080/23748834.2020.1735156>
- Boateng G. O. & Adams, E. A. (2023). A multilevel, multidimensional scale for measuring housing insecurity in slums and informal settlements. Cities. No. 132, pp. 1-15. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.104059>
- Aalbers, MB. (2015). The Great Moderation, the Great Excess and the global housing crisis, International Journal of Housing Policy, No. 15, PP. 43-60.
- Sanderson, D. (2012). Building livelihoods to reduce risk among the most marginalized in urban areas: Strategic approaches from Dhaka. *Environmental Hazards*. No. 23, PP. 1-11, <http://www.tandfonline.com/loi/tenh20>

- Narayan, D. & Petesch, P. (2000). *Voices of the Poor; Crying Out for a Change*. World Bank: Washington, DC. <https://www.researchgate.net/publication/281100769>
- CARE. (2006). *Long Range Strategic Pla*. Bangladesh. CARE: Dhaka.
- Fahmi, F. Z., Prawira, M. I., Hudalah, D., & Firman, T. (2016). Leadership and collaborative planning: The case of Surakarta, Indonesia. *Planning Theory*, No. 15, Vol. 3, PP. 294–315. <https://doi.org/10.1177/1473095215584655>
- Permana, C., Show, D. & Demeski, S. (2025). Towards a more collaborative planning process for traditional communities? A sociological-institutionalist analysis of the Kampong Kauman in Surakarta, Indonesia. *Cities*, No. 125, PP. 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105669>
- Douglass, M. (2015). Creative communities and the cultural economy — Insadong, chaebol urbanism and the local state in Seoul. *Cities*, No. 56, PP. 148–155. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.09.007>
- Jun, K. N., & Musso, J. (2013). Participatory governance and the spatial representation of neighborhood issues. *Urban Affairs Review*, Vol. 49, No. 1, PP. 71–110. <https://doi.org/10.1177/1078087412453704>